

## بازشناسی جایگاه تاریخ و فرهنگ عامه در حمام‌های سنتی ایران (پیوستگی آداب، عادات و عقاید مرتبط با استحمام)

مرضیه قاسمی، دانشجوی دکترای تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی دانشگاه هنر  
غلامعلی حاتم، استاد دانشگاه هنر  
فرهاد تهرانی، دانشیار دانشکده معماری دانشگاه آزاد قزوین

### چکیده

اهمیت اجتماعی برخی از مکان‌ها در زندگی مردم، از دیرباز موجب شکل‌گیری فرهنگ خاصی در این مکان‌ها شده است. فرهنگی که در گستره تعاملات اجتماعی مردم شکل گرفته و در تاروپود زندگی آن‌ها ریشه دوانده است. حمام‌ها یکی از مکان‌هایی هستند که به واسطه حضور اقشار اجتماعی مختلف، جایگاه شکل‌گیری آداب فرهنگی و محل گسترش برخی از مشاغل خاص بوده‌اند. در این پژوهش که با هدف شناختن جایگاه حمام در زندگی مردم، به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، انجام پذیرفته است، تلاش گردیده تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که؛ حمام در بافت تاریخی - اجتماعی قدیم ایران، چه جایگاهی داشته است؟ لذا در این پژوهش در دو بخش اصلی: ویژگی‌های حمام به‌عنوان یک سازه معماری، و فرهنگ حمام و آداب رایج در آن، بدین مسئله پرداخته شده است. نتیجه این بررسی ضمن این که نشان از اهمیت حمام در بافت شهری قدیم ایران دارد، نشان از گسترش باورها و آداب خاصی نیز دارد که نه تنها در معماری فضای حمام، بلکه در رفتار و منش مردم در این مکان نیز قابل مشاهده است.

**کلیدواژه:** حمام‌های تاریخی، صفویه، قاجار، فرهنگ عامیانه، فضای اجتماعی، دلاکان.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۶

E-mail: mghasemi100@gmail.com

### مقدمه

در میان بناهای عام‌المنفعه، حمام در تمدن اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. تأکید دین اسلام بر نظافت و نیز توجه خود مسلمانان به پاکیزگی، طهارت و دوری از نجاست، حمام‌های سنتی را به مکان‌هایی مهم تبدیل کرده بود. از طرف دیگر توجه به پاکیزگی روح در کنار طهارت جسم، معماران و بانیان حمام‌ها را بر آن می‌داشت تا به ظرافت‌های تزئینی گرمابه‌ها نیز توجه کنند. از این رو حمام‌ها، پس از مساجد<sup>۱</sup>، از مکان‌هایی بودند که در آن‌ها عناصر تزئینی بسیاری به کار می‌رفت. این عناصر تزئینی علاوه بر زیبا ساختن حمام‌ها، هنر قدسی را نیز به تصویر می‌کشیدند. در هنر قدسی، علاوه بر توجه به استحکام بنا و نیز تزئینات چشم‌نواز، روح معماری اسلامی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. در این نوع معماری که با عنوان اسلامی متولد شده و رشد کرده بود، بنا نه فقط از حیث سازه، بلکه از نظر توجه به روح و ماهیت اسلامی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت<sup>۲</sup>.

تثبیت اوضاع سیاسی اجتماعی ایران از دوره صفویه به بعد، همراه با توجه حاکمان واقفان به ساخت فضاهای عام‌المنفعه، سبب گسترش حمام‌ها در بافت شهری آن روزگار شد<sup>۳</sup>. حمام‌های تاریخی باقی‌مانده از دوره‌های صفوی و قاجار، نشان از سیمای فرهنگی خاصی دارند که در این دوران و تحت تأثیر فقه شیعی شکل گرفت. گسترش تعاملات اجتماعی در این مکان‌ها که با تضارب آراء و اندیشه‌ها میان اقشار مختلف مردم همراه بود، سبب رواج برخی باورهای عامیانه در خصوص این مکان گردید که در بخش آداب و فرهنگ حمام، به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد.

از سوی دیگر، پیوستگی این مکان با برخی از دوره‌های مهم زندگی افراد مثل تولد، ازدواج و زایمان، نیز این مکان را به محلی مطبوع و مناسب برای گذران وقت تبدیل کرده بود. مردم در موقع استحمام وقت زیادی را در حمام می‌گذراندند و این وقت را با صحبت و گپ‌وگفت سپری می‌کردند<sup>۴</sup>. حضور در حمام گونه‌ای تفریح نیز به حساب می‌آمد. وجود نوشیدنی‌ها و قلیان در حمام، پس از شستشو، مردان را ترغیب می‌کرد تا مدت‌زمان بیشتری در حمام بمانند و علاوه بر صحبت کردن، از تزئینات زیبای قسمت‌های مختلف حمام لذت ببرند. زنان نیز از فضای حمام استفاده‌های متعددی می‌کردند. آنان وقت بیشتری را نسبت به مردان در حمام می‌گذراندند و انواع وسایل شستشو آرایش را با خود به گرمابه‌ها می‌بردند.

با توجه به اهمیت اجتماعی حمام‌ها در جوامع قدیم که این محل را به مکان انجام تعاملات اجتماعی میان توده مردم تبدیل کرده بود، مقاله حاضر بر آن است تا برخی از نمودهای اجتماعی حمام‌ها را در تمدن اسلامی با تأکید بر جامعه ایران بررسی و مطالعه کند.

با توجه به این موارد، برای رسیدن به نتیجه‌ای بهتر این پژوهش در دو بخش تدوین شده است. بدین ترتیب که در بخش اول به: ویژگی‌های حمام به‌عنوان یک سازه معماریانه پرداخته شده و در بخش دوم فرهنگ حمام و آداب رایج در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱- معماری حمام‌ها

حمام‌ها به‌عنوان سازه‌هایی که همواره در مجاورت آب و رطوبت قرار داشت، می‌بایست از لحاظ استحکام و استقامت نسبت به دیگر سازه‌ها متفاوت می‌بود. مصالح و موادی که برای ساخت گرمابه‌ها به کار می‌رفت، از گونه‌ای بود که در برابر آب و رطوبت مقاوم بود. معماران هوشمند ایرانی، با استفاده از تمام محدودیت‌ها، توانسته‌اند بهترین نمونه‌های حمام‌ها را بسازند. این نمونه‌ها هم از نظر استحکام و هم از لحاظ اصول معماری و مبنای زیبایی‌شناسی، جزء برترین نمونه‌ها در جهان اسلام هستند. در دیگر نقاط جهان اسلام نیز حمام‌های فراوانی ساخته شده است و در آن‌ها نیز اصول معماری مخصوص حمام‌ها و عناصر تزئینی فراوانی به‌کاررفته است، اما نمونه‌های ایرانی حمام، از زیبایی و استحکام قابل توجهی برخوردارند (برای آشنایی با معماری، سازوکار، کارکنان و دیگر مسائل مربوط به حمام در دیگر نقاط جهان اسلام (نک: ایکوشار، ۱۹۸۵: ۱۰ به بعد؛ عبدالحفیظ، ۲۰۰۷: ۱۶ به بعد؛ علی، ۲۰۰۶: ۱۷ به بعد؛ عبدالرزاق معوض، ۲۰۱۳: ۱۳ به بعد؛ ۱۹: Erdoğan, ۲۰۱۳).

یکی از بارزترین ویژگی‌های گرمابه‌ها و حمام‌های تاریخی، استحکام و مقاومت آن‌هاست. استفاده از ساروج و مصالح محکم، از قبیل سنگ و آجر، دوام این بناها را نسبت به رطوبت، بیشتر کرده است. در اصول و مبنای اعتقادی و فقهی تأثیرگذار بر طراحی معماری گرمابه‌ها، دو گونه طرح را می‌توان بازشناسی کرد: نخست، آن دسته که در همه سازه‌های معماری اسلامی استفاده می‌شده است؛ و دوم آن گروه که فقط به معماری حمام‌ها اختصاص دارد. کارکرد اصلی حمام که تطهیر جسم مردم بوده است، و نیز دور ماندن مردم از آلودگی و نجاست، معماران را بر آن می‌داشت تا تدابیری را در این باره اتخاذ کنند. در این راستا آنان از طریق ایجاد اختلاف سطح در سربینه، وجود حوض‌های

متعدد برای آبکشی پاها، حجم و اندازه حوض‌ها به میزان کر، موقعیت قرارگیری آبریزگاه‌ها و غیره به اهداف خود می‌رسیدند (مهجور، ۱۳۸۲: ۶۳). البته معماران در این امر ظرافتی را نیز به کار می‌بردند. ۷. بنای حمام‌ها علاوه بر پاکیزگی بدن، دربردارنده دقایق طبی و بهداشتی، نشاط روح، تفریح ورزش و تقویت بنیه و فواید و نتایج دیگر نیز بوده است. اکثر حمام‌ها را بسیار وسیع و دلگشا و خوش اسلوب و مشتمل بر بیوت ثلاثه می‌ساختند. سرای اول خنک‌کننده و خیس‌اننده، سرای دوم گرم و نرم‌کننده و سرای سوم، گرم و خشک‌کننده است. ۸. ظرایف معماری و عناصر تزئینی نیز در هر کدام از بخش‌های حمام رعایت می‌شد. نخستین عنصر درخور بحث در معماری حمام، به ترتیب ورود به آن، سردر و در ورودی است. ورودی حمام غالباً هشتی در داری بود که برای جلوگیری از دیده شدن فضای آن از بیرون، در، با زاویه به هشتی گشوده می‌شد. در برخی حمام‌ها ورودی بسیار خاص بود. مثلاً ورودی حمام روستای کردشت اهر از پشت‌بام بنا بود که با یازده پله به رخت‌کن می‌رسید (مخلص، ۱۳۷۱: ۱۴۷). پس از هشتی ورودی، رخت‌کن قرار داشت که در ایران به آن بینه، سربینه و جامه‌کن می‌گفتند (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه). رخت‌کن محوطه مدور، چهارگوش یا چندضلعی وسیعی است با سقفی معمولاً ضربی با نورگیرهایی پوشیده از شیشه مات یا مرمر که جامگاه یا گل جام خوانده می‌شد (مهجور، ۱۳۸۲، ۶۲-۶۳). دورتادور رخت‌کن سکوهایی برای تعویض لباس قرار داشت که گاه زیر آن‌ها خالی و محلی برای قرار دادن کفش بود (تابش، ۱۶۲: ۶۵۹-۶۶۰). در کف رخت‌کن معمولاً حوضچه‌ای کم‌عمق با آب زلال و سرد قرار داشت که مخصوص فروکردن پا و شستن پاها (پاشویه) پس از خروج از گرم‌خانه و در پایان استحمام بود. رخت‌کن از طریق سرسرا به گرم‌خانه منتهی می‌شد. در سرسراها اتاقک‌هایی تعبیه شده بود که در آن مشتریان از داروها و مواد مختلف، به‌ویژه مخلوط زرنیخ و آهک، برای ازاله موهای زائد بدن استفاده می‌کردند. سرسرا سکوهایی برای انداختن لنگ وسایل حمام داشت و راه ورود به دستشویی در این محل بود (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۹۹؛ ستوده، ۱۳۸۶: ۳۰). گرم‌خانه‌ها فضاهای مختلفی برای کیسه‌کشی، خزینه، استخر بازی و شنا، و مکان خصوصی برای اعیان داشته‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۹۹-۲۰۰). در حمام گنجعلیخان کرمان، گرم‌خانه به فضاهای کوچک‌تر تقسیم می‌شد، از جمله به خلوت‌نشین و شاه‌نشین ۹ که بلندتر از کف گرم‌خانه بود. خزینه در محوطه گرم‌خانه و در انتهای آن قرار داشت و با دیوارهای کوتاهی از گرم‌خانه مجزا می‌شد. بدنه خزینه کاملاً عایق‌کاری می‌شد (ذاکر عاملی و اسفنجاری کناری، ۱۳۸۴: ۳۸۱). پشت یا زیرخزینه، گلخن، تون یا آتسخانه قرار داشت، مانند حمام چهارفصل اراک (حمزه لو فراهانی لاشجردی، ۱۳۸۶: ۳۶۷). این قسمت‌های مختلف با تزئینات متنوع آراسته می‌شد. البته سربینه/بینه/رخت‌کن از نظر مساحت و تزئینات از سایر فضاها مشخص‌تر بود

و عمدتاً به شکل هشت‌گوش و چهارگوش ساخته می‌شده است و در اطراف آن، سکوه‌های نشیمن و رخت‌کن و در زیر سکوها، حفره‌های جای کفش تعبیه شده بود (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۷۰). از آنجاکه سرپینه در متعادل ساختن دمای بدن مشتریان نقش عمده‌ای داشت ورود و خروج مداوم مشتریان از این قسمت انجام می‌شد و نیز احساس رخوت بعد از حمام سبب می‌شد که مشتریان پس از استحمام بیشتر در سرپینه توقف داشته باشند و باهم به گفتگو بپردازند، از این رو بیشترین فرصت آن‌ها در سرپینه سپری می‌شد. بنابراین، نقاشی‌ها و کاشی‌کاری‌های زیبا و نیز حوضچه‌های زیبا و دیگر عناصر تزیینی، بیشتر در این قسمت دیده می‌شد. در بعضی حمام‌ها سراسر دیوارهای رخت‌کن را با نقوش گل و گیاه، اسلیمی، پرندگان، میوه‌ها، جام‌های شربت و داستان‌های پهلوانی و مذهبی، عمدتاً با ساروج که در فضای حمام دوام بیشتری داشت، تزیین می‌کردند (زمرشیدی، ۱۳۹۱: ۷۸-۸۰). گاه برای تزیین رخت‌کن سنگاب‌های ۱۰ نفیس و زیبا می‌گذاشتند، مانند چهار سنگاب مرمرین مزین به نقوش برجسته شیر در حمام حاج محمدرحیم قزوین و سنگاب حمام علیقلی خان از دوره صفوی در اصفهان (گلریز، ۱۳۶۸: ۳۲۴/۱؛ طیبی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). علاوه بر این، گاهی جریان آب در حمام‌ها باعث هنرنمایی‌های متنوعی می‌شد، مانند ساخت فواره‌ها و مجسمه‌هایی که از دهان آن‌ها آب بیرون می‌ریخت ۱۲. کتیبه‌های حمام‌ها نیز علاوه بر آنکه مالک حمام را معرفی می‌کرد، دعاها و اشعاری درباره پاکیزگی و امانت‌داری و غیره داشت (نجفی، ۱۳۶۴: ۴۳۷؛ محمد عبدالمنعم جمل، ۲۰۰۴: ۱۳۳؛ همچنین برای آشنایی با کتیبه‌های حمام‌ها و مضامین آن‌ها در دوره صفوی و قاجار نک: لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ به بعد).

## ۲- فرهنگ حمام و آداب رایج در آن

در این بخش به شیوه استحمام، آداب، باورهای عامه، پیوستگی حمام با زندگی اجتماعی مردم و مشاغل مربوط به حمام پرداخته می‌شود:

### ۲-۱- آداب رایج در حمام

حمام‌های قدیمی کار خود را معمولاً از ساعات اولیه صبح آغاز می‌کردند. برخی از حمام‌ها در ساعاتی از شبانه‌روز مردانه و در ساعاتی دیگر زنانه و برخی دیگر از حمام‌ها یا زنانه و یا مردانه بودند. نشانه حمام‌های مردانه لنگی بود که آن را می‌تابیدند و دولا می‌کردند و به چفت در ورودی می‌آویختند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۰). حمام‌زنانه نیز اغلب در داخل کوچه قرار داشت و در مقابل آن پرده ضخیمی آویزان

می‌کردند (فیضی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). کار گرمابه با نواختن بوق حمام آغاز می‌شد (نک: دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۳۴). بوق حمام شاخ بلند و ضخیمی بود از جنس شاخ گوزن یا جلد حلزون دریایی یا صدف خالی شده که یکی از کارگران حمام آن را به لب می‌گذاشت و محکم در آن می‌دمید (شهری‌باف، ۱۳۸۳: ۵۱۶/۱). بوق حمام را هر سحرگاه به صدا درمی‌آوردند تا به این وسیله باز شدن حمام را به اطلاع مردم برسانند. بوق‌های حمام در دو نوبت به صدا درمی‌آمد؛ یک نوبت برای اعلام باز شدن حمام و نوبت دیگر برای اینکه به مردم اطلاع داده شود که حمام مردانه به زنانه تبدیل شده است یا به اصطلاح نوبت حمام‌زنانه است (نجمی، ۱۳۶۲: ۱۴۹). زمانی که تون حمام سرخ می‌شد و آب تازه داغ می‌گردید، حمام‌دار، در حمام را با آوایی مذهبی که اغلب در شور خوانده می‌شد باز می‌کرد و به سراغ بوق حمام رفته و آن را به سه شکل اجرایی به صدا درمی‌آورد. نواخته شدن بوق حمام که به معنای باز شدن حمام بود، صبح زود مردم را برای غسل و طهارت به حمام می‌کشاند و گاه حتی منع عبور و مرور شبانه نیز مانع از این نمی‌شد که مردم در سحرگاه به حمام مراجعه نکنند. ۱۴.

حمام‌های زنانه و مردانه از لحاظ معماری چندان تفاوتی نداشت، فقط در دوره صفویه، ورودی و درگاه گرمابه‌های عمومی، بنا به مردانه و زنانه بودن، متفاوت بود. ورودی گرمابه مردانه، در محل رفت‌وآمد عمومی قرار داشت و سردر آن، بلند و با نقاشی‌هایی از نبرد رستم و سهراب مشخص می‌شد. ورودی گرمابه‌های زنانه به گونه‌ای بود که صدهای داخل گرمابه زنانه که بسیار مشهور بود، به گوش نامحرمان نرسد. در تمام گرمابه‌های عمومی که هنوز دایر است یا بازسازی شده، این نکته مهم، مشهود است که راهرویی برای بخش زنانه تا قسمت سربینه احداث شده است (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۷۹). حمام‌های زنانه بسیار پرسروصدا و شلوغ بود و زنان داخل حمام از مباحث مختلف صحبت می‌کردند و گاه مشاجرات آن‌ها با پادرمیانی زنان مسن‌تر حل‌وفصل می‌شد. ۱۵.

زنان در حمام و در قسمت گرمخانه، درحالی که مشغول شست‌وشو بودند، میوه و تنقلات مختلفی را که با خود به داخل حمام آورده بودند، می‌خوردند (همان‌جا) و گاهی پسند دختر و خواستگاری در حمام صورت می‌گرفت (سجادی، ۱۳۸۶: ۳۳). همچنین در حمام‌های زنانه غزل‌خوانی و موسیقی نیز رواج داشت. دلاک‌های زن ترانه‌های ضربی می‌خواندند و گاه خانم‌ها زیر کف صابون، نشسته به همراهی با صدای دلاک، کف می‌زدند. آوازها را اغلب برای کودکان و نوجوانانی که زیر فشار و سوزش کیسه‌کش و کف‌مالی لیف و آب داغ بهانه‌گیری می‌کردند، می‌خواندند تا آنان مسحور کلمات آهنگین شوند و گریه را فراموش کنند (جاوید، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

در حمام‌های زنانه، زنان لنگ وسایل حمام، امثال لیف، کیسه، صابون، لگن، دولچه و مانند آن وجود نداشت و این اسباب را زنان با خود می‌آوردند و هیچ زن اسباب وسایل زن دیگر را استفاده نمی‌کرد (شهری‌باف، ۱۳۶۷: ۱/۴۲۰). وسایل حمام فقرا با بقچه‌های کوچکی که لنگ و حوله و سر خشک‌کن و لیف و کیسه و لنگچه‌ای در آن بود کامل می‌شد و در اسباب حمام متمولین و ثروتمندان، بقچه سوزنی ترمه یراق‌دوزی، با آستر اطلس، بقچه سفید دیگری برای روی آن که مانع رسیدن رطوبت به سوزنی می‌شد و دو طاقه لنگ؛ یکی برای بیرون آمدن و دیگری برای خشک‌کردن، دیده می‌شد (همان، ۱۳۸۳: ۱/۵۲۶-۵۲۷). این زنان ثروتمند معمولاً با دو یا سه خدمتکار به حمام می‌رفتند. یکی از آنان برای شست‌وشوی مخدوم خود وارد گرمخانه می‌شد و دیگری جامه‌های او را نگهداری می‌کرد (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۱۱۳۶).

حضور زنان ثروتمند و متمول با وسایل گران‌قیمت در حمام، دزدی در حمام را محتمل می‌کرد. در میان سارقان، دزدانی هم مخصوص حمام بودند که لباس‌ها و اسباب حمام مشتری‌ها یا لنگ حمامی را به سرقت می‌بردند. به این‌ها «لنگ زن» می‌گفتند که لباس‌های کهنه خود را با لباس نو بهتر دیگری که از بیرون یا در سربینه نشان کرده بودند، عوض می‌کردند. اینان لنگ‌های نو حمامی را هنگام لباس پوشیدن به کمر می‌بستند یا در شلوار پنهان کرده، خارج می‌شدند. گاهی لنگ‌دزد، گیر می‌افتاد و به ستون طناب‌پیچ شده، انگشت‌نمای مشتریان می‌شد (مجیدی خامنه، ۱۳۸۶: ۱۲۶). در دیگر نقاط جهان اسلام نیز سرقت در حمام، امری شایع و متداول بود. این دسته از دزدان مراقب استحمام‌کننده بودند و به محض اینکه او لباس‌های خود را برای استحمام درمی‌آورد، آن‌ها را می‌ربودند و یا کفش‌های خود را با کفش‌های فرد استحمام‌کننده عوض می‌کردند (بدیع‌الزمان همدانی، ۱۸۸۹: ۱۶۰؛ همچنین برای نمونه‌ای دیگر نک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۵/۳۴۰). در قرن ۱۲ و ۱۳ ق، حمام‌های دمشق شاهد تعداد بسیاری از سرقت‌ها بود. سرقت‌ها هم در حمام‌های زنانه و هم در حمام‌های مردانه صورت می‌گرفت و سارقان لباس و کفش و هر آنچه می‌توانستند به سرقت می‌بردند. زنانی که به دزدی اشتغال داشتند، زنان ثروتمند را تحت نظر داشتند و مترصد فرصتی بودند تا بقچه‌های خود را با بقچه‌های آنان عوض کنند. اگر زنان ثروتمند متوجه این عمل می‌شدند، زن سارق این کار را به تشابه بقچه‌ها با یکدیگر تعبیر می‌کرد. زمانی که سرقت با موفقیت انجام می‌شد، زن سارق سعی می‌کرد تا به سرعت از حمام خارج شود. بعد از این نزاعی میان صاحب‌مال دزدیده‌شده و مسئول حمام بر سر مال مسروق رخ می‌داد (نعیسه، ۱۹۸۶: ۱/۱۳۲).

زنان بعضاً رفتارها و اعتقادات عجیبی نیز دربارهٔ حمام از خود نشان می‌دادند که گاه باعث بروز تنش و درگیری میان آنان می‌شد. برای نمونه آنان برای فخرفروشی، بعد از هر حمام و پس از بازگشت به خانه، لنگ خود را جلوی در یا چفت در اتاق یا بند رخت و دیوار اتاق می‌آویختند تا نشان‌دهندهٔ سعادت زندگی آن‌ها باشد و این دهن‌کجی‌ای بود که می‌توانستند به دشمنان و بدخواهان اهل خانه بکنند و چه‌بسا این کار باعث مرافعه‌ها و دعوای سخت میان ایشان و مادر شوهر و خواهرشوهر می‌شد (مجیدی خامنه، ۱۳۸۶: ۱۲۴). همچنین در میان زنان متداول بود که اگر از روی جوی فاضلاب آب حمام مردانه چند مرتبه به این سو آن سو بپزند، حامله شدن آن‌ها به سرعت صورت می‌گیرد (کاری، ۳۴۸: ۳۵).

## ۲-۲- باورهای عامه در خصوص حمام

آداب‌ورسوم متفاوتی در طول تاریخ پیرامون حمام شکل گرفته است. برخی از این آداب‌ورسوم دربرگیرندهٔ عقاید خرافی و عامیانه است و برخی دیگر مناسبت‌های رسمی از قبیل حنابندان و حمام زایمان را دربر می‌گیرد. یکی از این اعتقادات خرافی، اعتقاد به حضور جن و اصطلاحاً «ازمابه‌تران» در حمام است. به اعتقاد ایرانیان، جنیان ممکن است هم در زمین و هم در آب زندگی کنند، اما محل‌های تاریک و گرم، مانند حمام‌های قدیمی و گورستان‌ها و خرابه‌ها و بعضی آب‌انبارها و درختان، را ترجیح می‌دهند (میهن‌دوست، ۱۳۵۵: ۴۸؛ اعظمی، ۱۳۴۹: ۵۲). اعتقاد پیشینیان بر این بود که تمامی حمام‌ها، جای ازمابه‌تران و شیاطین است. از این رو چه در شب و چه در روز مردها با چاقو زن‌ها با سوزن وارد حمام می‌شدند. همچنین معتقد بودند که باید با بسم‌الله وارد حمام شد، مخصوصاً خزینه که بهترین محل زندگی ازمابه‌تران است (فیضی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) ۱۶.

در لرستان روزهای چهارشنبه به حمام نمی‌روند و این البته بیشتر در میان اشخاص کهن‌سال و بی‌سواد رایج است. بسیاری عقیده دارند؛ اجنهٔ خبیث روزهای چهارشنبه هر هفته نوبت حمام کردنشان است و اگر زن یا مردی در این روز به حمام برود، باید با خود دعای چهل‌بسم‌الله همراه داشته باشد و یا از بدو ورود به حمام باید مدام ورد بخواند و به اطراف فوت کند. به همین خاطر در این روز هیچ‌کس به تنهایی حمام عمومی نمی‌رود و چنانچه بخواهند به حمام عمومی بروند، حتماً دسته‌جمعی خواهند رفت (عسکری عالم، ۱۳۸۷: ۱۸۵). همچنین برای روایتی عامیانه از حضور اجنه در حمام نک: همان‌جا).



### ۲-۳- پیوستگی حمام با زندگی اجتماعی مردم

بسیاری از مناسبت‌های مهم زندگی مردم با حمام پیوسته بود. حنابندان و حمام عروسی از این قبیل مناسبت‌ها محسوب می‌شد. در دوره قاجار رسم بر این بود که پس از چهارگیری، خانواده عروس آمادگی خود را برای فرستادن دخترشان به خانه داماد اعلام می‌کردند و شب آن روز مراسم حنابندان می‌گرفتند. خانواده داماد معمولاً پیش از مراسم حنابندان، چند جام حنای خیس کرده همراه با سکه‌هایی بر روی آن در خونچه می‌گذاشتند و به خانه عروس می‌فرستادند (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۴۵؛ شکورزاده، ۱۳۶۳: ۲۰۵). حنابند در حمام سر عروس و سرانگشتان او را حنا می‌بست که به آن حنای سرانگشتی می‌گفتند (شهری‌یاف، ۱۳۸۳: ۷۷/۳). صبح روز عروسی داماد را نیز به حمام می‌بردند و دلاک دست و پای او را حنا می‌بست (سالور، ۱۳۷۴: ۱۷/۵؛ کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۷۶).

در شوشتر، بعدازظهر روز حنابندان، هر دو خانواده به حمام می‌رفتند. معمولاً مادر یا خواهر داماد با خود تشتی سدر و تشتی سفیدآب می‌آورد و دم در حمام می‌ایستاد و مقداری از هردوی آن‌ها را در طاس‌های همراهان عروس می‌ریخت تا با آن خود را بشویند. همچنین هزینه حمام به عهده خانواده داماد بود (یزدان‌پرست، ۱۳۸۶: ۳۵۰). روز حنابندان معمولاً حمام در قرق خانواده عروس و داماد بود و افراد غریبه به حمام نمی‌آمدند (همان‌جا). همچنین برای موسیقی حنابندان در حمام نک: جاوید، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

از دیگر مناسبت‌هایی که معمولاً در حمام برگزار می‌شد، حمام زایمان بود. حمام زایمان یکی از مراسم مهم نزد بانوان بوده است؛ به همین مناسبت پیش از بردن مادر به حمام، تهیه و تدارک انواع خوراکی‌های مقوی و داروهای ویژه حمام زایمان توسط زنان نزدیک خانواده صورت می‌گرفته است (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۸۸-۸۹). اگر نوزاد دختر بود، روز هفتم و اگر پسر بود، زائو روز دهم به حمام برده می‌شد؛ و چند عدد پیازی که هنگام زاییدن در کنار زائو نهاده بودند، در روز حمام رفتن، به آب روان انداخته می‌شد (آقا جمال، ۱۳۴۹: ۱۶؛ خدیش، ۱۳۷۸: ۲۷۰).

در شیراز عده‌ای از آشنایان عروس را برای حمام زایمان همراهی می‌کردند. در حمام مقداری «خنک چکیده» را که دوایی است شبیه سرخاب، روی گونه و پستان‌های زائو گونه‌های تمام همراهان می‌کشیدند. مقداری «گاز رشک» بوداده را کوبیده و از آن به مچ‌های دست و پای زائو می‌مالیدند (همان، ص ۲۹۹).

در پایان مراسم، زائو داخل تشتی می‌ایستاد و آب چله را روی سرش می‌ریختند. سپس آب جمع شده در تشت را روی سر و بدن شخص عقیم و نازا سرازیر می‌کردند؛ چراکه اعتقاد داشتند، شخص نازا با این کار به مراد خود خواهد رسید. هنگامی که زائو لباس‌هایش را می‌پوشید، دو نفر از همراهانش در سمت چپ و راست او می‌نشستند و دست‌هایشان را در جلو پشت زائو به هم قلاب می‌کردند و با کف پای خود از دو طرف چندین مرتبه به پهلوی او فشار می‌آوردند تا اعضای زائو به جای خود بازگردد (نویان، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

## ۲-۴- مشاغل مرتبط با حمام

در میان مشاغل مربوط به حمام، گرمابه‌دار یا حمامی، وظیفه اداره حمام را بر عهده داشت. این شغل، عالی‌ترین شغل در سازمان و چرخه امور حمام به حساب می‌آمد. این مسئولیت، به صورت موروثی، پشت‌درپشت، به افراد خانواده می‌رسید. البته از آنجا که مالکیت اغلب گرمابه‌ها در گذشته، وقف بوده، به گرمابه‌دارها اجازه داده می‌شده است (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۱). همچنین برای اجاره حمام‌ها در قاهره نک: ایکوشار، ۱۹۸۵: ۵۱). استاد حمامی با توجه به نحوه کارش، از کیفیت زندگی افراد محل، به خوبی خبر داشت و از زاد ولد و مرگ‌ومیر و ازدواج و اختلاف همه، مطلع بود و رازداری او باعث می‌شد، بسیاری از مشکلات به دست او برطرف شود. استاد حمامی، معمولاً بابت این بزرگی و ریش سفیدی، محاسنی بلند داشت و ریش خود را نمی‌تراشید ۱۷.

مزد حمامی هم به صورت نقدی و هم غیر نقدی پرداخت می‌شد. برای مثال در حمام رهنان، حمام‌دار و کارگران دستمزد خود را سالانه دریافت می‌کرده‌اند (اسفنجاری و عاملی، ۱۳۸۵: ۴۵). مزد حمامی در روستاهای لرستان نیز نقدی نبود. هرکس در طول سال به حمام می‌رفت، نام و مشخصات او را در دفتری می‌نوشتند و در سر خرمن در قبال هر یک نفر ۲ تا ۳ من گندم و یا ۵ من جو به حمامی بابت مزد پرداخت می‌کردند. بسیاری از مردم نیز برای استحمام وجه نقد می‌پرداختند. بسیاری از زن‌ها نیز به جای پول، تخم‌مرغ به زن حمامچی می‌پرداختند (عسکری عالم، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

دلاک از دیگر کارکنان حمام بود. کار او کیسه‌کشی و مشت‌ومال بود. واژه دلاک صفت از دلاک به معنای نیک مالیدن است (بیهقی، ۱۳۶۶-۱۳۷۵: ۴۳/۱؛ ابن‌منظور، ۱۹۹۲: ذیل دلاک). مهم‌ترین وظیفه دلاک، کیسه کشیدن بوده است. او کار کیسه‌کشی را بعد از آن‌که بدن مشتری به اصطلاح «خیس می‌خورد»، آغاز می‌کرد. جنس کیسه دلاک از پشم، پنبه یا ترکیبی از پشم و موی بز و به

رنگ‌های مختلف بوده که به پهنای حدود پانزده سانتیمتر بافته می‌شده است (شهری‌باف، ۱۳۶۷: ۱۶-۱۵/۳؛ یآوری، ۱۳۸۰: ۱۱۹، ۱۲۴). دلاکان کارهای دیگری از جمله سلمانی، حجامت، رگزنی و ختنه را نیز انجام می‌داد (شهری‌باف، ۱۳۶۷: ۱۳/۳، ۲۱؛ نجمی، ۱۳۶۲: ۴۴۲-۴۴۳؛ شکورزاده، ۱۳۶۳: ۱۶۱). دلاک‌ها قولنج هم می‌گرفتند. آن‌ها پای خود را بر کتف مشتری قرار می‌دادند و سپس سروسینه او را عقب می‌کشیدند. با صدای مفاصل و ماهیچه‌ها، باور داشتند که قولنج شخص را گرفته‌اند (عسکری عالم، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

دلاک در مناسبت‌های مختلف نیز وظایف ویژه‌ای بر عهده می‌گرفت. برای مثال دلاک زن در حمام عروسی، در برابر انعامی که از خانواده عروس می‌گرفت، بر ناخن‌های عروس حنا می‌گذاشت یا گیسوان او را پس از اتمام شست‌وشو می‌بافت (همان، ص ۱۸۷). در حمام زایمان نیز، با مشت‌ومال و انجام حرکاتی، بدن و رحم زائو را به حال اول و طبیعی بازمی‌گرداند (همان، ص ۱۵۰؛ شریعت‌زاده، ۱۳۶۳: ۲۵۴/۲). اما باوجوداین، از نظر جایگاه اجتماعی، دلاک‌ها از موقعیت درخور توجهی برخوردار نبودند. هرچند، با استناد به برخی روایات، خود دلاکان، به پیشینه مقدس شغل خود باور داشتند. چنان‌که کیسه حمام را قسمتی از پوست گوسفند قربانی حضرت ابراهیم (ع) می‌دانستند که با اشاره جبرئیل به سلمان فارسی رسید (چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۸۱: ۱۸۰، ۲۰۷).

انتقال آب به گرمابه‌ها، یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در حمام‌ها بود که مشاغل خاصی را نیز در این زمینه به وجود آورده بود. تأمین آب حمام‌ها، معمولاً با استفاده از چاه‌های آب صورت می‌گرفت. برای بالا کشیدن آب چاه، از چرخ‌های بزرگ، طناب و دول‌های بزرگ استفاده می‌شد و با کمک نیروی گاو، آب را بالا می‌کشیدند. در برخی نقاط نیز این کار با استفاده از نیروی انسانی، انجام می‌شد. برای مثال در کومله شخصی بر بالا و پشت چرخ می‌نشست و با دست‌وپا آب را با سطل از چاه بالا می‌کشید و به خزینه‌های مردانه و زنانه می‌ریخت (شهاب کومله‌ای، ۱۳۸۵: ۹۲).

از دیگر مشاغل حمام، کارگران (شاگرد حمام) بودند که وظایف مختلفی را بر عهده داشتند. از جمله این کارگراها، کارگر لنگ‌انداز/فوطه‌دار، سرچاق‌کن، آبدارچی و کارگر لنگ‌شور بودند. در کومله، وظیفه شاگرد حمام به این شرح بوده است:

۱. روشن کردن آتشخانه از سحرگاه و نظارت بر آن در چندین مرحله روز تا پاسی از شب.
۲. سرویس‌دهی چای و غذای دلاکان.
۳. آماده کردن نوره در چند مرحله در هفته.
۴. سرویس‌دهی لنگ و حوله به مشتریان.

۵. رسیدگی به نظافت رخت‌کن

۶. حمل‌ونقل بچه‌های بعضی افراد متمول (شهاب کومله‌ای، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۶).

سلمانی نیز از مشاغلی بود که در حمام‌ها وجود داشت. معمولاً این وظیفه را نیز دلاک‌ها به عهده داشتند. آنان بساط خود را مقابل حمام قرار می‌دادند و سر مشتری به‌ویژه بچه‌های کوچک را اصلاح می‌کردند (عسکری عالم، ۱۳۸۷: ۱۸۷). در ایران عصر صفوی به بعد، منصبی به‌عنوان خاصه تراش‌باشی وجود داشت که از مناصب مهم تلقی می‌شد و از مواجب و تیول قابل توجهی برخوردار بود؛ خاصه تراش‌باشی ضمن آن که سر و ریش شاه را در حمام خاصه اصلاح می‌کرد، سرپرستی و ریش‌سفیدی عملاً حمام‌ها و دلاک‌ها را بر عهده داشت و در اختلافات میان اعضای این صنف داوری می‌کرد (واصفی، ۱۳۴۹: ۳۲۷/۲؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۹۴/۴؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

### نتیجه

نتیجه این بررسی ضمن این که نشان از اهمیت حمام در بافت اجتماعی قدیم ایران به‌عنوان یک بنای کارکردی دارد، نشانگر اهمیت فرهنگی آن در تاریخ اجتماعی ایران نیز هست. این اهمیت در چند وجه قابل مشاهده است: ۱- در طراحی فضای معماری حمام. بدین ترتیب که فضای حمام علاوه بر آن که با اصلی‌ترین ویژگی این مکان یعنی جایی برای شستشو طهارت تناسب دارد، برآورده‌کننده سایر نیازهای افراد در تعاملات اجتماعی نیز هست مثل: برخورداری از فضایی مناسب برای گفت‌وگو، برخورداری از فضایی زیبا و دل‌پسند برای رفع خستگی روحی که در این مورد کاربرد برخی نقوش و آرایه‌ها، متناسب با فضای حمام، ضمن آنکه در افزایش نشاط بینندگان مؤثر است، انتقال‌دهنده معانی فرهنگی خاصی نیز می‌باشد که کارکردی فرهنگی را برای این نقوش متصور می‌شود. مثل دیوارنگاره‌های حماسی و مذهبی نقش شده بر دیوار برخی حمام‌های عمومی. ۲- ایجاد مکانی مناسب برای برخورد قشرها و طبقات مختلف اجتماعی، اعم از فقیر و غنی یا بی‌سواد و تحصیل‌کرده که سبب آگاهی مردم از اوضاع و احوال یکدیگر و تعاملات مستقیم میان آن‌ها می‌گردید. علاوه بر این‌ها فرهنگ و آداب رایج در حمام‌ها نیز قابل توجه‌اند. پیوستگی این مکان با مقاطع خاصی از زندگی افراد مثل: تولد، خنابندان، عروسی و زایمان، که مناسبت‌هایی فرخنده و شادی‌بخش می‌باشند، نه تنها در افزایش نشاط اجتماعی تأثیرگذار بود، بلکه با گسترش برخی آداب و افکار عوامانه نیز همراه گردیده بود. گسترش

برخی مشاغل خاص در خصوص اداره حمام و تأمین مایحتاج مردم، از دیگر کارکردهای فرهنگی حمام بود. که می‌توانست در بهبود معیشت مردم تأثیرگذار باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱- مسجد در طول تاریخ اسلام از جایگاه مهم و ممتازی برخوردار بوده است. فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلفی در این مکان انجام می‌شد. از دیگر سو، اهمیت و تقدس مساجد، باعث می‌شد که معماری آن‌ها نسبت به دیگر سازه‌ها از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های بارزتری برخوردار باشد. از این رو می‌توان مسجد را به‌عنوان اولین و مهم‌ترین سازه معماری مسلمانان مورد توجه قرار داد (برای آگاهی تفصیلی از نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مسجد نک: بادکوبه، ۱۳۸۴: ۳۰۲/۹؛ ابن‌دهیش، ۲۰۰۴: ۳۳ به بعد؛ همچنین برای آشنایی با معماری مساجد مختلف جهان اسلام نک: خلوصی، ۱۹۹۸: ۴۰ به بعد).

۲- توضیح بیشتر درباره هنر قدسی و مؤلفه‌های آن خارج از موضوع مورد بحث ماست، اما بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که بدون توجه به هنر قدسی، اساساً درک، فهم و نیز تبیین و تحلیل هنر و معماری اسلامی امکان‌پذیر نیست. امروزه برخی از محققان و صاحب‌نظران در حوزه هنر اسلامی، مانند سید حسین نصر و تیتوس بورکهارت، به این امر توجهی ویژه داشته‌اند. در این دیدگاه امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. منشأ صدور امر قدسی، عالم روحانی است که فوق ساحت روانی یا عالم نفس قرار دارد. این نکته در هنر اسلامی نیز مورد توجه قرار داشته است و بانیان و سازندگان و پدیدآورندگان آثار هنری در طول تاریخ، ساخته‌های خود را نمودی از عالم برتر می‌دانستند و در اثر خود از نمادهای این عالم استفاده می‌کردند (برای آشنایی مقدماتی با امر قدسی و تأثیر آن در هنر اسلامی نک: نصر، ۱۳۷۹: ۵۹ به بعد؛ بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۰ به بعد؛ ۲۲۷: ۲۰۱۱، KHawaja Muhammad Saeed).

۳- نک. موسی‌پور پشلی، ص ۲۳۸.

۴- این گفتگوها گاه حالت حرف‌های جلف و هجوگونه را به خود می‌گرفت. گاه این شوخی‌ها بدون هیچ اکراهی در حضور جوانان مجرد و بچه‌های کوچک هم بر زبان جاری می‌شد و گاه این جلف‌گویی‌ها در مجالسی که زن‌ها هم حضور داشتند بیان می‌شد (برای نمونه‌ای از این گفت‌وگوهای هجوگونه نک: عسکری عالم، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۸۶).

۵- این محدودیت‌ها شامل مواردی چون سوخت، آب‌رسانی به حمام، دفع فاضلاب، سلسله‌مراتب شستشو تغسیل و غیره می‌شد (نک: فخار تهرانی، ۱۳۷۹: ۹۸).

۶- گذشته از توجه معماران به این امر، اهمیت حمام و استحمام و ارتباط مستقیم آن با طهارت جسم و روح باعث شد تا کتاب‌های متعددی درباره آداب حمام و چگونگی استفاده از آن تألیف شود (برای نمونه‌ای از

این آثار نک: حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۱ / ۲ به بعد؛ ابن کثیر، ۱۹۹۷: ۲۵ به بعد؛ آقفهسی الاشافعی، ۲۰۰۰: ۳۱ به بعد؛ بحرینی، ۱۳۹۰: ۲۰ به بعد).

۷- برای مثال، ستون‌های ماریچ علاوه بر زیبایی، موجب می‌شود تا قطرات بخار آب پس از آنکه به مایع تبدیل شدند، چکه نکنند و از طریق این ماریچ‌ها به پایین سرازیر شوند و باعث ناراحتی اشخاص به‌ویژه پس از استحمام و تطهیر نشوند (نک: مهجور، ۱۳۸۲: ۶۳).

۸- در این باره عبارتی موجز وجود دارد: «الحمام افضله ماکان قدیم‌البناء، عذب‌الماء، واسع‌الفضا، معتدل‌الحراره و البیت الاول مُبرِدٌ مُرَطَّبٌ و البت الثانی مسخن و الثالث مجفف» (نک: همایی، ۱۳۷۵: ۳۵۱/۳؛ همچنین قس: ابن‌اخوه، ۱۹۷۳: ۱۵۳).

۹- این خلوت‌نشین‌ها/شاه‌نشین‌ها برای حفظشان و منزلت افراد مهم همچون حکیم، امام‌جمعه و ... در نظر گرفته شده بود و دیگر مردم عادی مانند رعایا و پیشه‌وران در میان گرمخانه به‌صورت پراکنده به شستشوی خود مشغول بودند. معمولاً برای شاخص شدن فضای شاه‌نشین، سعی بر این بود که با کاشی‌های برجسته و نقاشی‌های زیبا، آن قسمت را از دیگر بخش‌ها متمایز کنند تا درخور نشستن شاه و بزرگان باشد (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۹۲).

۱۰- سنگاب‌ها، قدح‌های سنگی بزرگی بودند که برای سیراب کردن مردم در اماکن مختلف تعبیه می‌شدند. سنگاب‌ها هنری مقدس هستند؛ زیرا با هدف مقدس یادآوری از شهدای کربلا و مقام امام حسین (ع) بر پا داشته شده و اکثر آن‌ها در مساجد، امامزاده‌ها و ... و در دسترس توده مردم قرار گرفته‌اند. در تزیینات سنگاب دو هنر شعر و خوشنویسی در درجه اول قرار دارد و سپس نقش و نگاره‌های هنر اسلامی در آن دیده می‌شود (برای آگاهی تفصیلی درباره سنگاب‌ها نک: افضل طوسی و مانی، ۱۳۹۲: ۵۲ به بعد).

۱۱- در برخی سفرنامه‌های دوره صفوی نیز به وسعت و زیبایی سربینه/رخت‌کن اشاره شده است. برای مثال دروویل (۱۳۶۷: ۶۱) در این باره گفته است: «سرای اول حمام‌ها، معمولاً گرد و بسیار بزرگ است که دو تا دور آن نیمکت گذارده‌اند و درگاه‌هایی در آن به‌صورت رخت‌کن تعبیه نموده‌اند. برای خوش‌آیند مشتری‌ها در وسط سرا، حوض بزرگی از مرمر یا سنگ رخام با فواره‌های متعدد ساخته شده است».

۱۲- محمد عبدالمنعم جمل، ص ۱۳۴

۱۳- گاه اول: نوبت‌زنی (نوبت زنانه/نوبت مردانه) که نوع نغمه‌ها بر اثر تکرار در ذهن جامعه تبدیل به قانون شده بود. گاه دوم: وقت‌شماری و ابلاغ در ماه رمضان و گاه سوم: اخطار واقعه‌ها (سیل، دزدی و غارت، خراب شدن حمام و ...) نک: جاوید، ۱۳۸۶: ۱۰۰.

۱۴- بنا بر روایتی، در دوره ناصرالدین‌شاه، ریاست نظمیة تهران بر عهده کنت دو مونت فرت گذاشته شد و او اعلام حکومت‌نظامی کرد که به‌موجب آن پایتخت‌نشینان از ۱۲ شب تا پنج صبح حق خروج از منازل خود را نداشتند. شبی که کنت خود مشغول بازرسی محلات تهران بود، مردی عبا به دوش و بقچه در بغل را دید و به

او ایست داد و گفت: مگر نمی‌دانی عبور و مرور ممنوع است؟ مرد گفت: از این چیزها سر در نمی‌آورم. من تابع بوق حمام هستم که مدتی است به صدا درآمده و مردم را به رفتن به حمام فراخوانده است. کنت فردای آن شب استغفای خود را به شاه تقدیم کرد که در این شهر یا من باید فرمان بدهم یا بوق حمام (نک: همان، ۱۳۸۶: ۲۰۹؛ همچنین برای آشنایی با ضرب‌المثل‌هایی درباره بوق حمام نک: دهخدا، ۱۳۶۱: ۴۷/۱؛ ۶۹۸ ۲).

۱۵- دروویل جزئیات جالب و مهمی از گفتگوهای مردان و زنان در حمام نقل کرده است. به گفته او: «حمام‌های عمومی همچنین محل ملاقات و دیدار افراد طبقات پایین ایران است. بیگانگان و سوداگران معمولاً برای آشنایی با یکدیگر یا مذاکره درباره معاملات به حمام می‌روند و با کشیدن چپق یا قلیان و نوشیدن قهوه، ساعاتی را در آنجا می‌گذرانند. در این مدت اخباری بین خود ردوبدل می‌کنند و خبرها را به‌جای دیگری می‌برند. اما زن‌های ایرانی حمام را بهترین نقطه‌ی تجمع خود می‌دانند و همه‌روزه با یکدیگر در آنجا دیدار می‌کنند. هر شاه‌نشینی به گروه خاصی تعلق دارد و همواره پر از جمعیت است. در آنجا کلیه‌ی امور خانوادگی مورد گفت‌و شنود قرار می‌گیرد و چون تعداد زن‌هایی که موضوعی برای حسادت و شکایت دارند کم نیست صحنه‌ی حمام به‌صورت دادگاه زنانه درمی‌آید که ریاست آن بر عهده‌ی گیس‌سفیدان می‌باشد.» (نک: دروویل، ۱۳۶۷: ۶۵).

۱۶- مظفرالدین شاه قاجار هر وقت قصد حمام رفتن می‌کرد، امیر بهادر، وزیر جنگ دربار خود را به حمام می‌فرستاد تا اجنه را از آنجا دور کند (نجمی، ۱۳۶۲: ۲۱۴).

۱۷- به گفته شهری‌باف «هر مشتری به‌محض ورود باید به حمامی سلام کند؛ در هر مقام و موقعیتی که بوده باشد. یکی از این خاطر که سلام بر وارد بوده نه مورود و دیگر این که استاد حمامی را حرمتی بود که وسیله تطهیر و نظافتشان را فراهم می‌نمود» (نک: شهری‌باف، ۱۳۶۷: ۱۴/۳).

## منابع

- ابن‌اخوه، محمدبن محمدبن احمد القرشی (۱۹۷۳) معالم القربه فی احکام الحسبه، چاپ روبن لیوی، لندن.
- ابن‌دهیش، منیره عبدالملک (۲۰۰۴/۱۳۸۳) دور المسجد فی القرن الاول الهجری فی الحجاز و الشام: دراسه تاریخیه حضاریه، مکه، مکتبه‌الاسدی.
- ابن‌کثیر، عمادالدین ابی‌الفداء (۱۹۹۷/۱۴۱۷) کتاب الآداب و الاحکام المتعلقه بدخول الحمام، تحقیق ابی‌سلیمان سامی‌بن محمدبن جادالله، بی‌جا، دارالوطن للنشر.
- ابن‌منظور (۱۹۹۲/۱۴۱۲) لسان العرب، چاپ علی شیری، بیروت.
- اعظمی، چراغعلی (خرداد ۱۳۴۹ ش) «باورهاب عامیانه مردم سنگسر»، هنر و مردم، شماره ۹۲.
- افضل طوسی و مانی، عفت‌السادات (زمستان ۱۳۹۲ ش) «سنگاب‌های اصفهان، هنر قدسی شیعه»، باغ نظر، شماره ۲۷.
- آفقهسی الشافعی (۲۰۰۰/۱۴۲۱) القول التمام فی آداب دخول الحمام، تحقیق محمد خیر رمضان یوسف، بیروت- لبنان، دار ابن‌حزم.
- ایکوشار، میشل (۱۹۸۵/۱۳۶۴) حمامات دمشق، تعریب ممدوح الزرکلی و نزیه الکواکبی، دمشق، مطبعه‌الانشاء.
- آقا جمال خوانساری (۱۳۴۹ ش) عقایدالنساء، به کوشش محمود کتیرایی، تهران، طهوری.
- بادکوبه‌هزاوه، احمد (۱۳۸۴ ش) «مسجد جامع»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران.
- بحرینی، شیخ علی (۱۳۹۰ ش) رساله نزهت در آداب حمام و لباس پوشیدن و سفر کردن، کرمان، بی‌نا.
- بدیع‌الزمان الهمدانی، ابی‌الفضل (۱۸۸۹) مقامات ابی‌الفضل بدیع‌الزمان الهمدانی، چاپ محمد عبده، بیروت.
- بذرافکن، جلال (۱۳۸۹ ش) فرهنگ مردم داریون، شیراز، آوند اندیشه: بنیاد فارس شناسی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵ ش) هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش.



- بیهقی، احمدبن علی (۱۳۶۶-۱۳۷۵ ش) تاج‌المصادر، چاپ هادی عالم‌زاده، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۰ ش) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- تابش، یحیی (آبان و آذر ۱۳۶۲ ش) «گرمابه علیقلی آقا در اصفهان»، آینده، سال ۹، ش ۸ و ۷.
- تهرانی میرخانی (۱۳۸۵ ش) سفرنامه گوهر مقصود، به کوشش زهره میرخانی، تهران، میراث مکتوب.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۶ ش) «موسیقی و حمام» در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- چهارده رساله در باب فتوت و اصناف (۱۳۸۱ ش) چاپ مهران افشاری و مهدی مداینی، تهران، نشر چشمه.
- حر عاملی (۱۴۱۴) وسائل‌الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حمزه‌لو فراهانی ولاشجردی (۱۳۸۶ ش) منوچهر، «حمام چهار فصل اراک»، در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- خدیش، حسن (۱۳۷۸ ش) فرهنگ مردم شیراز، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
- خطیب بغدادی (۱۴۱۷ ق) احمدبن‌علی، تاریخ بغداد او مدینه‌السلام، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت.
- خلوصی، محمد ماجد (۱۳۷۷/۱۹۹۸) عماره المساجد: تصمیم و تاریخ و طراز و عناصر خمسو ثمانون مسجد، بیروت، دارقابس.
- دالمانی، هانری رونه (۱۳۳۵ ش) از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران، امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۷ ش) سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شباویز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۱ ش) امثال‌وحکم، تهران، چاپخانه سپهر.
- ذاکر عاملی و اسفنجاری کناری، لیلا (۱۳۸۴ ش) «حمام رهنان»، در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

- زمرشیدی، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش) «سیر تحول کاشی‌کاری در آثار معماری دوره صفویه تا امروز»، مطالعات معماری ایران، شماره ۲.
- سالور، قهرمان میرزا (عین‌السلطنه) (۱۳۷۴ ش) روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۶ ش) «حمام در خاطرات من»، در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- سجادی، علی‌محمد (۱۳۸۶ ش) «حمام و استحمام» در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- شاردن، ژان، (۱۳۷۲ ش) سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۶۳ ش) فرهنگ مردم شاهرود، تهران، مؤلف.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳ ش) عقاید و رسوم مردم خراسان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- شهاب کومله‌ای، حسین (۱۳۸۵ ش) فرهنگ عامه کومله، رشت، گیلکان.
- شهری‌باف، جعفر (۱۳۶۷ ش) تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم زندگی، کسب‌وکار، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طبسی، محسن (پاییز و زمستان ۱۳۸۱ ش) «بازخوانی وقف نامه و بررسی کالبدی مرکز محله علیقلی‌آقا»، صفه، شماره ۳۵.
- عبدالحفیظ، محمدعلی (۲۰۰۷/۱۳۸۶) حمامات الاسکندریه فی القرنین التاسع عشر و العشرين، اسکندریه، مرکز دراسات الاسکندریه و حضاره البحر المتوسط.
- عبدالرزاق معوض، منصور محمد (۲۰۱۳/۱۳۹۲) حمامات العامه بمدينه حلب منذ بدايه العصر الایوبی و حتی نهاییه العصر العثماني دراسه آثاریه معماریه، قاهره، مکتبه‌العربی للمعارف.
- عسکری عالم، علی مردان (۱۳۸۷ ش) فرهنگ و باورهای مردم لرستان، خرم‌آباد، انتشارات شاپور خواست.
- علی، احمد رجب محمد (۲۰۰۶/۱۳۸۵) تاریخ و عماره الدور و القصور و الاستراحات و الحمامات الاثریه الاسلامیه فی الهند، القاهره، الدار المصریه اللبناویه.
- غزالی، امام محمد (۱۳۶۱ ش) کیمیای سعادت، تصحیح حسین خدیو جم، تهران، علمی و فرهنگی.

- فخار تهرانی، فرهاد (بهار و تابستان ۱۳۷۹ ش) «حمام‌ها در نظرگاه زمان»، مجله صفه، سال ۱۰، شماره ۳۰.
- فوربز-لیث، فرانسیس، کیش‌مات: خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۳ ش.
- فیضی، عباس (۱۳۸۶ ش) «مراسم و آئین‌های حمام در فرهنگ‌عامه» در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- کارری، جملی (۱۳۴۸ ش) سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوان و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کتیرایی، محمود (۱۳۴۸ ش) از خشت تا خشت، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹ ش) معماری ایران دوره اسلامی، تهران: سمت.
- گلریز، محمدعلی (۱۳۶۸ ش) مینودر، یا، باب‌الجنه قزوین، قزوین.
- لطفی و مسجدی، علی‌رضا (۱۳۹۰ ش) فرهنگواره گرمابه با رویکرد به حمام‌های اصفهان، تهران، کتاب آبان.
- ماسه، هانری، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۵۷ ش.
- مجیدی خامنه، فریده (۱۳۸۶ ش) «پوشاک در حمام (بررسی جایگاه فرهنگی و اجتماعی پوشاک حمام)» در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- محمد عبدالمنعم جمل (۲۰۰۴ م) قصور الحمراء: دیوان العماره و النقوش العربیه، اسکندریه.
- مخلصی، محمدعلی (۱۳۷۱ ش) فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی، تهران.
- ملکونوف و عزالدوله (۱۳۶۳ ش) سفرنامه ایران و روسیه، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، تهران، دنیای کتاب.
- مناظر احسن، محمد (۱۳۶۹ ش) زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- موسی‌پور بشلی، ابراهیم، دین زیسته و زندگی روزانه پژوهشی در فرهنگ دینی مردم عادی ایران از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجاری، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵ ش.

- مونس‌الدوله (۱۳۸۰ ش) خاطرات، چاپ سیروس سعدوندیان، تهران، زرین.
  - مهجور، فیروز (خرداد و تیر ۱۳۸۲ ش) «حمام در شهرهای ایرانی-اسلامی»، کتاب ماه هنر، شماره ۵۷ و ۵۸.
  - میرزا رفیعا (۱۳۸۵ ش) دستورالملوک، چاپ محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران، وزارت امور خارجه.
  - میرشکرایی، محمد (۱۳۸۲ ش) «فرهنگ و آب»، کتاب ماه هنر (ویژه فرهنگ آب و گرمابه)، شماره ۵۷-۵۸.
  - میهن‌دوست، محسن (دی‌ماه ۱۳۵۵ ش) «پدیده‌های وهمی دیر سال در جنوب خراسان»، هنر و مردم، شماره ۱۷۱.
  - نجفی، ناصر (۱۳۶۴ ش) طهران عهد ناصری، تهران.
  - نجمی، ناصر (۱۳۶۲ ش) دارالخلافه طهران، تهران، همگام.
  - نصر، حسین (پاییز ۱۳۷۹ ش) «هنر قدسی در فرهنگ ایران»، هنرهای تجسمی، شماره ۱۰.
  - نعیشه، یوسف جمیل (۱۹۸۶) مجتمع مدینه دمشق ۱۱۸۶-۱۲۵۶ ق/ ۱۷۷۲-۱۸۴۰ م، دمشق.
  - نویان، مهرالزمان (۱۳۸۶ ش) «انسان و پاکیزگی در سنت‌های ایرانی تولد تا مرگ»، در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
  - واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹ ش) بدایع‌الوقایع، چاپ الکساندر بلدروف، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
  - همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۵ ش) تاریخ اصفهان، به‌کوشش ماهدخت همایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
  - همو (۱۳۳۷ ش) لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
  - همو (۱۳۸۳ ش) طهران قدیم، تهران، انتشارات معین.
  - یاوری، حسین (۱۳۸۰ ش) نساجی سنتی ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
  - یزدان‌پرست، مریم بیگم (۱۳۸۶ ش) «حمام‌های شوستر»، در مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران.
- Erdoğan, Abdülkerim, (۲۰۱۳) Ankara Hamamları Ve Kaplıcaları, Ankara, Khawaja Muhammad Saeed, (February ۲۰۱۱) "Islamic Art and Its Spiritual Message", International Journal of Humanities and Social Science, Vol. ۱ No. ۲.*